

اندیشه

اصلاح دین در ایران

بخش نخست: مقدمه‌ای تاریخی



سید مقصد نبوی رضوی

سید مقصد نبوی رضوی پژوهشگر تاریخ اندیشه دینی است. وی، مدرک کارشناسی ارشد خود را در رشته تاریخ اسلام اخذ کرده و عضو هیئت مشاوران پروژه «دنیای زنان در عصر قاجار»، به سرپرستی پروفیسور افسانه نجم‌آبادی، استاد تاریخ دانشگاه هاروارد بوده است

بدون حضور فرشته وحی برزانش جاری می‌شد. گسترش دعوت باب و جنگ‌های سه‌گانه پیروانش با حکومت قاجار (رجعت امویة سفیانیه) سرانجام سبب شد تا میرزا تقی خان امیرکبیر دستور کشتن وی را صادر کند و به همین دلیل بود که به سال ۱۲۶۶ قمری در تبریز کشته شد.

باب که خود را «شمس حقیقت» یا صاحب ظهور کلی و مظهر «ظهور الله» می‌نامید، برای سلسله مظاهر ظهور الله پایانی نمی‌پذیرفت و «شمس حقیقت» پس از خود را «من یظهره الله» می‌خواند. او بر آن بود که از زمان غروب شمس حقیقت باب تا طلوع شمس حقیقت، «من یظهره الله» که «لیل» است، خداوند «مرآت»‌هایی را برمی‌انگیزد که ضمن مظهر «ظهور الله بودن»، آیین بیان را پی گرفته و بابیان را رهبری می‌کنند. در زمان نبود مرآت‌ها نیز بابیان باید به اطاعت از «شهداء بیان» یعنی عالمان بزرگ بابی و صاحبان منصب ولایت می‌پرداختند. نخستین مرآت میرزا یحیی نوری (صبح ازل) بود که در نگاه باب از سوی خداوند، صاحب آیات شده بود و باید پس از او پیروانش را رهبری می‌کرد. صبح ازل پس از اعدام باب زعامت بابیان را برعهده گرفت و تا چهارده سال برایشان رهبری کرد. از سال ۱۲۸۰ قمری و به‌ویژه سه سال بعد از آن یعنی ۱۲۸۳ قمری، دعوت من یظهره الله میرزا حسینعلی بهاء یا همان بهاء‌الله، آغاز شد و سرانجام به تدریج بیشتر بابیان را به کنار گذاشتن آیین بیان و پذیرش آیین بهائی کشاند. گروهی نیز که بابی ماندند و آیین بهائی را نپذیرفتند، به سبب جانبداری از صبح ازل به «زلی» معروف شدند.

از آن سوی، دو سال پس از اعدام باب (۱۲۶۸ ق.) گروهی از بابیان به کشتن ناصرالدین شاه قاجار (قاتل باب) روی آوردند اما ناکام

سلسله یادداشت‌هایی که از این پس درباره «اندیشه اصلاح دین در ایران» در اختیار خوانندگان قرار خواهد گرفت، بر آن است تا به تحلیل گذرای فکری و تاریخی این موضوع بپردازد. از این رو نخستین بخش این یادداشت‌ها، در مقام دیباچه و درآمد، نگاهی بسیار گذرا بر تاریخ این اندیشه و سیر گسترشش در ایران خواهد داشت تا به تدریج به بسط و تفصیل آن بپردازد.

سید علی محمد شیرازی به سال ۱۲۶۰ قمری خود را باب امام دوازدهم شیعیان خواند و ظهور نزدیک او را وعده داد و از همین روی بود که به «باب» معروف شد و پیروانش «بابی» خوانده شدند. باب، مذهب شیخی داشت و از پیروان شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی بود. از آن روی که دعوت او با فضای اعتقادی شیعیان، یعنی وجود شیعیان کامل و واسطه‌های فیض امام به پیروانش، همسانی نزدیکی داشت؛ پیروان زیادی در میان آنان یافت. این دعوت به سبب حضور شیعیان آماده پذیرش وی، در بخش‌های گوناگون ایران و عراق، توانست در مدتی اندک، به جای جای سرزمین‌های شیعه‌نشین برسد. با این حال، باب به سال ۱۲۶۴ قمری در گردشی اساسی، با تعریفی جدید و خودساخته از واژه‌های «قائم» و «قیامت»، خود را نه «باب قائم آل محمد» که «قائم آل محمد» خواند و هر چند برخی پیروانش را از دست داد اما بیشترشان را با خود همراه کرد.

او در تعریف تأویلی خود، روز قیامت را نه روز رستاخیز، که دوره دعوت صاحب دین جدید خواند و بر این اساس، سال‌های دعوت خود را «روز قیامت اسلام» نامید. در این تعریف جدید، قائم آل محمد، نه دادگستر جهان و فراگیرکننده دیانت اسلام که بنیان‌گذار «آیین بیان» و «مظهر ظهور الله» بود و کلمات الهی،